

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ



بازخوانی مکتب تفسیری

در حوزه علوم اجتماعی

چاپ دوم

تألیف: دکتر اصغر افتخاری

عضویت علمی دانشگاه امام صادق (ع)



## بازخوانی مکتب تفسیری در حوزه علوم اجتماعی

تألیف: دکتر اصغر افتخاری

ناشر: دانشگاه امام صادق (ع)

چاپ اول: ۱۳۸۸

چاپ دوم: ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰.۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۷۴۶-۸۴-۷

تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵

تلفن: ۸۸۳۷۰۱۴۲ دور نگار: ۸۸۰۹۴۹۱۵

سرشناسه: افتخاری، اصغر، ۱۳۴۷-

عنوان و نام پدیدآور: بازخوانی مکتب تفسیری در حوزه علوم اجتماعی /

تألیف اصغر افتخاری

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۸.

وضعیت فهرست نویسی: فیا.

یادداشت: کتابنامه: ص. {۱۲۳} - ۱۲۷.

موضوع: علوم اجتماعی - فلسفه.

موضوع: تحلیل فلسفی.

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)

رده بندی کنگره: ۱۳۸۷ ب۲ الف/۱۵/۸۶۱ H

رده بندی دیویی: ۳۰۰/۱

شماره کتابشناسی ملی: ۱۶۲۶۶۵۰

## فهرست مطالب

۹	..... سخن ناشر.....
۱۱	..... مقدمه: تفسیرگرایی به مثابه یک ضرورت.....
۱۷	..... ۱. تکوین مکاتب مختلف در علوم اجتماعی.....
۱۹	..... کلیات.....
۲۰	..... ۱-۱. گونه‌شناسی علوم اجتماعی.....
۲۱	..... ۱-۱-۱. رویکرد پوزیتیویستی.....
۲۲	..... ۱-۱-۲. رویکرد تفسیری.....
۲۳	..... ۱-۱-۳. رویکرد جامع.....
۲۴	..... ۱-۲. نظریه تعلق.....
۲۵	..... ۱-۲-۱. لایه نخست: تعلق به مهار و پیش‌بینی.....
۲۶	..... ۱-۲-۲. لایه دوم: تعلق به فهم.....
۲۷	..... جمع‌بندی فصل.....

۲۹	..... اصول مکتب تفسیری
۳۱	..... کلیات
۳۲	..... ۱-۲. خاستگاه؛ فلسفه تحلیلی
۳۴	..... ۲-۲. بنیاد؛ مفاهیم عملی و غیر عملی
۳۵	..... ۳-۲. ملاک؛ مرزهای شناخت
۳۷	..... ۴-۲. نظریه توصیف کاربردی
۳۹	..... جمع‌بندی فصل
۴۱	..... ۳. ارکان روش تفهیمی
۴۳	..... کلیات
۴۶	..... ۱-۳. لایه نخست: عمل اجتماعی
۴۸	..... ۲-۳. لایه دوم: فعالیت اجتماعی
۴۹	..... ۳-۳. لایه سوم: ضوابط اجتماعی
۵۲	..... ۴-۳. لایه چهارم: معانی مقوم
۵۴	..... ۵-۳. لایه پنجم: مفاهیم بنیادین
۵۴	..... ۶-۳. تئوری و عمل
۵۵	..... جمع‌بندی فصل
۶۳	..... ۴. نقد مکتب تفسیری
۶۵	..... کلیات
۶۶	..... ۱-۴. نواقص مکتب تفسیری در سطح نظری
	..... ۲-۴. نواقص مکتب تفسیری در حوزه «ارتباط تئوری و
۷۱	..... عمل»
۷۶	..... ۳-۴. فرهنگی بودن پدیده‌ها و مشکل فهم

مقدمه • ۷

۸۱	..... ۴-۴. اشکال نسیت
۸۷	..... جمع بندی فصل
۸۹	..... نتیجه گیری؛ زبان، نسیت و مکتب تفسیری
۹۱	..... کلیات
۹۵	..... ۱. کلمه
۱۰۶	..... ۲. گزاره ها
۱۰۹	..... ۳. متون
۱۱۳	..... یادداشت ها
۱۲۱	..... منابع





## سخن ناشر

مجموعه کتب «مسایل اساسی در حوزه علوم انسانی» با این هدف تعریف، طراحی و منتشر می‌شود تا بتواند ایده‌های مهم و اصلی اندیشه‌گران، محققان و کارشناسان را در حوزه‌های مختلف علمی به صورت منسجم، مختصر و در قالب کتبی با حجم اندک به مخاطبان منتقل سازد. از این طریق خواننده فرصت و امکان آن را می‌یابد تا در موضوعی مشخص، متنی تخصصی را مطالعه و نیاز علمی خود را برطرف سازد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع) همزمان با طرح توسعه پژوه در بدنه علمی دانشگاه (اعم از اساتید و دانشجویان)، در پی آن است تا دسترسی به یافته‌های این پژوهش‌ها را برای کلیه علاقمندان - اعم از مدیران

اجرائی و کارشناسان - تسهیل نماید و طرح «مکتب» در واقع تلاشی مؤثر و هدفمند در این راستا به شمار می‌آید. آنچه در قالب این مجموعه دنبال می‌شود، بر چند رکن استوار است:

اول. مسئله‌یابی و شناخت نیاز علمی جامعه مخاطب (دانشجویان، کارشناسان و مدیران).

دوم. تحقیق و ارزیابی پاسخ سؤالات مورد نظر با استفاده از توان علمی محققان و یا از طریق گزینش، ترجمه و تحقیق متون موجود.

سوم. تولید اثر به شکل کتبی با حجم اندک، موضوعات معین و قیمت مناسب که عرضه و کاربرد آن را تسهیل سازد.

معاونت پژوهشی امیدوار است این مجموعه بتواند جوابگوی برخی از نیاز علمی جامعه مخاطب بوده در توسعه قلمرو دانش در جامعه مؤثر باشد. در این راستا این معاونت آمادگی خود را برای دریافت نظرات اصلاحی و تکمیلی، سفارشات موضوعات تازه و یا همکاری در تحقیق و تولید علمی متون اعلام می‌دارد.

معاونت پژوهشی دانشگاه

---

مقدمہ

تفسیر کراچی بہ مثابہ یک ضرورت

---



## کلیات

«هنوز هم این بی‌آبرویی برای فلسفه مانده است... که وجود چیزهای خارج از خود ما... باید به صرف ایمان پذیرفته شود. و اگر کسی در وجود آن چیزها شک کند، ما نمی‌توانیم با هیچ برهان قانع‌کننده‌ای با شک او مقابله کنیم.»<sup>۱</sup>

اینکه عالمان تجربی مسلک حوزه علوم طبیعی، در پرتو تاملات شناخت‌شناسانه خود که روز به روز گسترده‌گشته و امروزه حجم عظیمی از فلسفه علم را به خود اختصاص می‌دهد، با این جمله «کانت»<sup>۲</sup> چگونه برخورد می‌نمایند، خود جای بحث و نظر بسیاری دارد و لیکن تا

---

۱. به نقل از: جی. ای مور، «برهان عالم خارج»، منوچهر بدیعی، ارغنون، سال دوم، شماره ۷/۸، ص ۱۲۴

2. Immanuel Kant

آنجا که به «علوم اجتماعی» مربوط می‌شود، سخن کانت گذشته از کژتابی‌های آن که «جی. ای. مور»<sup>۱</sup> در «برهان عالم خارج» تا حدودی بدان پرداخته،<sup>۲</sup> از مقبولیت بالایی برخوردار می‌باشد؛ بطوریکه عالمان علوم اجتماعی پس از غوری در نظریه‌های موجود، خود را مصداق همان ضرب المثلی می‌یابند که «آلن چالمرز»<sup>۳</sup> پس از بررسی نظریه‌های موجود در ارتباط با «ماهیت علم» بدان استناد جسته است: یعنی: «پیش‌شان آغاز کردیم و پریشانتر به پایان رسیدیم».<sup>۴</sup> در این گزارش تلاش شده تا تصویری کلی و انتقادی از یکی از گرایش‌های اصلی در حوزه شناخت‌شناسی - یعنی مکتب تفسیری - ارایه گردد. براین اساس نوشتار حاضر با هدف زمینه‌سازی برای ورود به مباحث تفصیلی در این حوزه نگاشته و نگارنده سعی نموده تا از این طریق سرفصل‌ها و خطوط کلی برای ورود به این حوزه پر از پیچ و خم را برای دانشجویان ترسیم نماید. در این راستا اولاً - مکتب تفسیری از منظر اجتماعی بررسی و تحلیل شده است؛ ثانیاً - مواضع نقد و

---

1. Goog Edward Moore

۲. نک: همان، صص ۶-۱۲۳.

3. Alan F. Chalmers

۴. آلن . اف. چالمرز، چیهستی علم؛ درآمدی بر مکتب علم شناسی فلسفی، سعید زیبا کلام، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴، ص ۷.

کاستی آن معرفی شده است. مجموع این دو اقدام شناسنامه یک مکتب را شکل داده و راه را برای مطالعات تخصصی بعدی هموار می‌سازد. [۱]

آنچه در اینجا در خور توجه می‌نماید، آن است که «تفسیرگرایی» توانسته با پاسخ‌گویی به مجموع انتقادات وارده به عنوان یک ضرورت، خود را در دستور کار مباحث روش‌شناسی قرار دهد؛ به گونه‌ای که امروزه کمتر حوزه مطالعاتی‌ای را می‌توان سراغ گرفت که از اقبال به تفسیرگرایی و از پذیرش ضرورت‌های آن، سرباززند. مهمترین مؤیدات این روش در حوزه علوم اجتماعی عبارتند از:

اول. پیچیدگی‌های مربوط به موضوع شناخت که مانع می‌شود تا بتوان تصویری ساده و معین از عناصر پدیده‌ها و نحوه ارتباط بین آنها آرایه داد.

دو. پیچیدگی‌های مربوط به فاعل شناسا (انسان) که مانع از آن می‌شود تا بتوان به سادگی بین سوژه و ابژه تفکیک قایل شد.

سوم. پیچیدگی‌های مربوط به محیط شناخت که بطور مؤثر هم موضوع و هم فاعل شناسا را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۱۶ ○ بازخوانی مکتب تفسیری در حوزه علوم اجتماعی

نتیجه آن که آشنایی با بنیاد، مبانی، کارکردها و  
نقدهای مکتب تفسیری بحثی مستقل در حوزه علوم  
اجتماعی را شکل می‌دهد که در اثر حاضر بصورت  
مختصر، بدان اهتمام خواهیم ورزید.





---

تکوین مکاتب مختلف در علوم اجتماعی

---



## کلیات

«محققانی که در یکی از رشته‌های علوم اجتماعی کار می‌کنند، بیش از هر چیز با مسائل مربوط به «روش بحث» سروکار دارند و بسیاری از بحث‌های آنان درباره این مسائل، با نظر داشتن به روشهای علوم شکوفاتر... صورت می‌گیرد.»<sup>۱</sup>

چنان که «کارل پوپر»<sup>۲</sup> اشاره داشته، عالمان علوم اجتماعی برای توسعه حوزه فعالیت‌های علمی خود، در ابتداء متوجه حوزه مطالعاتی علوم طبیعی شده و با این گمان که توفیق ایشان در کاربرد روش‌های تجربی است؛

---

۱. دانیل لیتل، تبیین در علوم اجتماعی: درآمدی بر فلسفه علم الاجتماع، عبدالکریم سروش، تهران، صراط، ۱۳۷۳، ص ۱۰.

2. Karl R. Popper

به فکر آن افتادند تا از طریق اتخاذ روش‌هایی مشابه، به توسعه علوم اجتماعی نایل آیند. بدین ترتیب است که پوزیتویسم در حوزه علوم اجتماعی متولد می‌شود. برای شناخت این روش نخست بحث‌مان را با بیان نظریه «لیتل» آغاز، و با استناد به گفتار «هابرماس» تکمیل و به جمع‌بندی واحدی خواهیم رسید.

### ۱-۱. گونه‌شناسی علوم اجتماعی

زایش تئوریه‌ها و نظرات مدیون وجود سؤالات می‌باشند، بطوریکه با تغییر در نوع سؤال علی‌القاعده، پاسخ‌های ما نیز صبغه‌ای دیگر خواهند یافت و بدنبال آن علوم دیگری پا به عرصه وجود می‌گذارند. آنچه ما «تیین علمی»<sup>۱</sup> لقب می‌دهیم، در حقیقت «صورت خاصی از پاسخ‌گویی» به سؤالات می‌باشد، سؤالاتی که در قالب «چرا - بایستی»<sup>۲</sup> عرضه می‌شوند و هدف از آنها نشان دادن ضرورت یا پیش‌بینی‌پذیری حادثه‌ای، فرآیندی و نظمی خاص در شرایطی خاص است. بعبارت دیگر در پی معین کردن «فرآیندهای علی»<sup>۳</sup> و «شرایط اولیه‌ای»<sup>۴</sup> را داریم<sup>۵</sup> که ماهیت علی فوق را ندارند و در پی تبیین و نظم

- 
1. Scientific Explanation
  2. Why - Necessary
  3. Causao Process
  4. Initial Conditions
  5. How - Possible

(۱) تکوین مکاتب مختلف در علوم اجتماعی ۲۱۰

پدیده‌های اجتماعی می‌باشند. لذا می‌توان اظهار داشت که مطابق این دیدگاه ما دارای دو گونه «علوم اجتماعی» هستیم.

اول. علت کاو

دوم. معنا کاو

#### ۱-۱-۱. رویکرد پوزیتویستی (اثباتی)

در دیدگاه نخست، جامعه همچون پاره‌ای از طبیعت دانسته می‌شود که کار جامعه‌شناس دست‌یابی به «نظم قانون‌دار» آن برای «تصرف در جامعه» می‌باشد. این بینش متعاقب پیروزی چشمگیر «روشهای تجربی» در علوم طبیعی، یعنی «استقراء گرایی»، در جهان علم از ارج بسیاری برخوردار می‌شود؛ بطوریکه عده‌ای از جامعه‌شناسان به این باور می‌رسند که فرق جامعه انسانی و طبیعت حیوانی نه در «نوع» بل در «درجه» است و لذا می‌توان جامعه انسانی را از بیرون و از مقام یک «تماشاگر» - بجای نگاه از درون همچون یک بازیگر - مورد بررسی و شناخت قرار داد و از این طریق به علل امور وقوف پیدا نمائیم. براین سیاق بود که «استقراء گرایی» پا به عرصه علوم اجتماعی می‌گذارد و در نتیجه آن «درون مایه پدیده‌های اجتماعی» در سودای «تصفیح جزئیات» - برای استخراج احکام - به فراموشی

سپرده می‌شود، نتیجه، زایش علوم اجتماعی تحصیلی (اثباتی / پوزیتوسیتی) بود که تا به امروز در قالب و اشکال گوناگون به حیات خود استمرار بخشیده و گذشته از تمامی انتقادات نظری، هیمنه خود بر حوزه پژوهشهای علمی را، حفظ کرده است. مشرب‌هایی همچون: تبیین آماری، فونکسونالیستی، ماتریالیستی و ساختاری همه از مصادیق این دیدگاه بشمار می‌آیند. [۲]

#### ۱-۱-۲. رویکرد تفسیری

اما در دیدگاه دوم، «دلیل» تحویل به «علت» نمی‌شود و همچنان در جایگاه رفیع خود باقی می‌ماند. رهروان این نحله بر این ایده‌اند که: انسان را نبایستی از عرصه پدیده‌های اجتماعی کنار زد بلکه ضروری است تا او را بار دیگر به میان آوریم.<sup>۱</sup> اینان جامعه را چونان متن مکتوبی می‌بینند که بایستی قرائت و فهم شود و تقلیل آن به درجه‌ای از علوم طبیعی را به هیچ وجه بر نمی‌تابند. مطلوب آنها فهم جامعه است و همین! نتیجه این نگرش که در واکنش به علمکرد نخست پدید آمد، زایش علوم «هرمنوتیکال» (معناکاو) می‌باشد که جوهره اصلی رویکردهای مختلف درون آن یک چیز است و آن اینکه:

---

1. To Bring Man Agatin

(۱) تکوین مکاتب مختلف در علوم اجتماعی ۲۳۰

«افعال آدمی ظاهری دارد و باطنی و فهم برون از طریق فهم درون ممکن است و نه بالعکس». دیدگاه تفسیری در این مقوله جای دارد و بزرگانی همچون «چالرز تیلور»<sup>۱</sup> «کلیفورد گیرتز»<sup>۲</sup> «ویکتور ترنر»<sup>۳</sup> و «پیر بوردیو»<sup>۴</sup> پیرامون آن سخن‌ها گفته‌اند.<sup>۵</sup> این دیدگاه در عرصه مباحث نظری توجه بسیاری را، حتی امروزه، بخود معطوف داشته و آثار درخشانی مطابق آن در عرصه پژوهش‌های اجتماعی صورت پذیرفته‌اند که دلالت بر اهمیت و حساسیت بالای این رویکرد در عرصه عملی دارد.[۳]

#### ۱-۱-۳. رویکرد جامع

تقسیم‌بندی «لیتل» را با ذکر یک مطلب تکمیلی، استغناء می‌بخشیم؛ و آن اینکه ما شاخه‌ای از علوم اجتماعی را داریم که هدف آن جمع بین دوگونه مذکور می‌باشد. برای این منظور، ایشان «معناکاوی» را مدخلی برای «نظم‌کاوی و قانون‌یابی» می‌دانند و با تفکیک دو مقام

- 
1. Charles Tylor (در مقاله: «تفسیر و علوم مربوط به انسان» ۱۹۸۵)
  2. Clifford Geertz (در مقاله‌اش پیرامون جنگ خروسها در میان قوم بالی)
  3. Victor Turner (با ارائه مفاهیم «سازمان بخش» و «نمایش»)
  4. Pierre Bourdieu (در شرح اجمالی از نظریه عمل، ۱۹۷۷)
۵. دانیل لیتل، پیشین، صص ۱۸-۲۰

«گردآوری»<sup>۱</sup> و «داوری»<sup>۲</sup> از یکدیگر و اختصاص هر دیدگاه به مقامی، میان آندو گرایش آشتی می‌دهند. «فون هایک»<sup>۳</sup> و «ماکس وبر»<sup>۴</sup> آلمانی را می‌توان از طلایه‌داران این گرایش معرفی نمود. این رویکرد در ادامه، مورد توضیح و بسط بیشتری قرار می‌گیرد.

### ۲-۱. نظریه «تعلق»

تقسیم‌بندی «لیتل» اگرچه جذاب و لیکن ناقص است. لذا برای بیان هرچه بهتر این مطلب و ترسیم شمایی کلی تمامی مکاتب مختلف در این حوزه، در ادامه دیدگاه «یورگن هابرماس» را خواهیم آورد که بنظر می‌رسد از شمول بیشتری، در قیاس با توضیح لیتل، برخوردار باشد. او در کتابی بنام «معرفت و تعلقات بشری»<sup>۵</sup> (۱۹۷۰) مسئله «ارتباط موضوع با روش» را مورد تأمل قرار داده و برخلاف «وینچ» که معتقد بود، موضوع «متغیر مستقل» و روش «متغیر وابسته» است، می‌گفت: تغییر «روش پژوهش» نه به موضوع بلکه در حقیقت به «نوع تعلق درونی ما» برمی‌گردد. توضیح آنکه وینچ معتقد بود، پژوهشگر وقتی «طبیعت» را موضوع پژوهشی خود قرار

- 
1. Context of Discovery
  2. Context of Justification
  3. F. von Hayek
  4. Max Weber
  5. Knowledge and Human Interests



می‌دهد، روشهای تحصیلی و علت کما و بر می‌گزیند و چون این موضوع به «انسان»، «عالم ملکوتی» و... بدل شود، روش او نیز تغییر کرده مبدل به «تفسیری»، «شهودی» و... می‌شود. سؤال «هابرماس» متوجه این نقطه بود که: چرا اینچنین است که ما در برخورد با طبیعت از روش تجربی، استفاده می‌نمائیم؟ و چرا در پژوهش احوال آدمیان از روش تفسیری بایستی مدد بگیریم؟ این تلازمها از کجا آمده‌اند؟ بدیهی بود که «وینچ» و یا مدل عرضه شده از سوی «لیتل» نمی‌توانست پاسخی در خور ارائه دهد و لذا هابرماس به بیان پاسخ خود همت می‌گمارد. هابرماس تغییرات حاصله در بخش روش و موضوع را در وراء آنها، یعنی در سطح تعلقات بشری، ریشه‌یابی می‌کند. بزعم او آدمیان دارای سه لایه معرفتی هستند که هر کدام «روشی» را پدید می‌آورند:<sup>۱</sup>

#### ۱-۲-۱. لایه نخست: تعلق به مهار و پیش‌بینی<sup>۲</sup>

این میل دانشمندان را به بنای علمی از شکل «تحلیلی»<sup>۳</sup> رهنمون می‌شود، علمی که تجربی و اثباتی‌اند

---

۱. دانیل لیتل، پیشین، ص بیست، همچنین: فریدریش فون هایک، قانون، قانونگذاری و آزادی، مهشید معیری و موسی غنی‌نژاد، تهران، طرح‌نو، ۱۳۸۰.

2. Control & Prediction

3. Analytic

نسبت موضوع و پژوهشگر در اینجا «ابژه - سوژه»<sup>۱</sup> است؛ یعنی موجودی ذی‌شعور بر روی موجودی بدون شعور عمل (یکطرفه) می‌نماید. لذا می‌بینیم که روش «اثباتی» در اینجا کاربرد تمام دارد و معیار آن نیز ابطال<sup>۲</sup> و یا تأیید<sup>۳</sup> می‌باشد.<sup>۴</sup>

### ۱-۲-۲. لایه دوم: تعلق به فهم<sup>۵</sup>

در اینجا «ما فقط می‌خواهیم بفهمیم!» برای این منظور روشهای «هرمنوتیکال»<sup>۶</sup> بکار گرفته می‌شوند که در آنها «فهمیدن» و نه «پیش‌بینی» مطلوب است. نسبت موضوع و پژوهشگر در اینجا «سوژه - سوژه»<sup>۷</sup> می‌باشد بدین معنی که هر دو موجودی «ذی‌شعور» قلمداد می‌شوند. بعبارت دیگر، متن موجود پیش روی شما همان نویسنده است و با شما سخن می‌گوید. مطابق این نظرگاه دیگر «صدق و کذب» رایج در علوم تجربی در اینجا معنا ندارد و برای کشف صدق و یا کذب فهم شما باید به

---

1. Object – Subject

2. Refutation

3. Con formation

۴. نک: عبدالکریم سروش، درسهایی در فلسفه علم‌الاجتماع (روش تفسیر در علوم اجتماعی)، تهران، نی. ۱۳۷۴، ص ۲۰۶ به بعد

5. Undrestanding

6. Hermenuetical

7. Subject - Subject

«اجماع»<sup>۱</sup> رجوع کرد. سخن این طایفه یک چیز است و آن اینکه، باید جامعه را چون متنی خواند و فهم کرد و بدنبال مرادات افراد نباید رفت. تمام سعی ما باید متوجه فهم آن باشد. [۴]

### جمع‌بندی فصل

با عنایت به آنچه در این فصل آمد، مشخص می‌شود که انتخاب روش شناخت و اقبال به یک مکتب روشی یا شناخت شناسانه، موضوعی پیچیده و محصور تعامل فرآیند مختلف است:

اول. تعلقات درون فاعل شناسا که وی را در نهایت به نتیجه‌ای خاص در ارتباط با انتخاب یک روش از میان روش‌های موجود یا ایجاد روشی تازه رهنمون می‌شود. دوم. ویژگی‌ها و مختصات یک موضوع که آن را از پذیرش هر روشی در خصوص شناخت آن موضوع باز می‌دارد. بعبارت دیگر برخی از موضوعات اصولاً از قرار گرفتن در حیطه شناخت یک روش خاص طفره رفته و بدین ترتیب، تغییر یا اصلاح روش را ضروری می‌سازند. سوم. تحولات و مقتضیات زمانی - مکانی که با تشکیل نوع گفتمان خاصی، محققان و حتی موضوعات را تحت تأثیر قرار داده آنها را بصورت واقعی یا کاذب

نسبت به اهمیت، کارآمدی و کاربرد روشی خاص در  
قیاس با سایر روش‌ها اولویت می‌بخشد.  
معنای این سه ملاحظه آن است که روش تفسیری  
در اصل ادعای خود مبنی بر پیچیده بودن موضوعات و  
محیط شناخت به حق بوده و از اینرو روایی بیشتری در  
قیاس با روش اثباتی برای شناخت و تحلیل دارد.

۲

---

اصول مکتب تفسیری

---

